



اربابان دروغ

درباره عکسی از مسجد جامع قزوین بعد از خروج عوامل سریال بامداد خمار

امیر جدیدی

عکاس و روزنامه‌نگار

سینما بی‌رحم است؛ بی‌رحم‌تر از آنچه تصور کنید. یک پله بالاتر سینما دروغ است. باز هم دروغ‌تر از آنچه در مخیله آدمیزاد می‌گذرد. اصلاً ذات سینما دروغ و فریب است. بیشتر اوقات پشت این تصویر دل‌فریب که می‌بینی چنان آشفته‌بازار و قساوتی برپاست که دل هر آدمیزادی را آشوب می‌کند. پرده سینما از رفاقت

می‌گوید و پشت پرده کمتر چیزی که وجود دارد رفاقت است. پرده از برابری می‌گوید و پشت پرده عین نابرابری است. در پروژه سینمایی گاهی اختلاف طبقاتی طوری خودنمایی می‌کند که به یاد دوران برده‌داری می‌افتی. عوامل بالادست آنقدر در نقش اربابی خود فرو می‌روند که هر کس از بیرون به پشت صحنه نگاه کند یاد دوران ملوک‌الطوایفی در ذهنش روشن می‌شود. پرده از خیلی چیزها حرف می‌زند که پشتش خبری از آن نیست... خود اهالی سینما می‌گویند که همه مواهب سینما برای تیتراژ اولی‌هاست. آن‌ها چنان جولانی می‌دهند که هر که نداند فکر می‌کند آسمان باز شده و این جماعت به زمین نزول کرده‌اند. اول نوشته عرض کردم سینما بی‌رحم است. با این همه اما سینما یک صاحبی داشت. این روزها پلتفرم‌ها با ورود به عرصه سریال‌سازی چنان بر طبل این بی‌رحمی و ندانم‌کاری کوبیده‌اند که بیاب و ببین. شما دقت کنید هر مزخرفی را با هزار شامورتنی بازی به خورد مخاطب می‌دهند و پشت هر کدام از این پروژه‌ها میلیاردی پول بی‌زبان را به باد می‌دهند. وقتی پای جواب هم در میان باشد پشت هزار صفحه مجازی و منتقدین دروغین قایم می‌شوند تا آب‌ها از آسیاب بیفتند. همین حالا اگر قرار باشد بیخ گلوی تهیه‌کننده و کارگردان و طراح صحنه این پروژه سینمایی را بگیرند و از آن‌ها جواب بخواهند که به چه حقی این بلاراس میراث فرهنگی ایران درآوردید، چنان ناله‌ننه من‌گرییم‌شان به آسمان بلند می‌شود که دل هر بیننده و خواننده‌ای به درد می‌آید. نمی‌خواهم نیت‌خوانی کنم اما با تحلیل رفتارهای این روزهای پلتفرم‌ها دور از ذهن نیست که آنها به جای اینکه اشتباه‌شان را قبول و سعی بر جبران‌شان کنند، هزاران صفحه اینستاگرامی را اجیر کنند و محتوایی تولید کنند و ته‌ماجرای این نتیجه‌برسند اصلاً دیوار یک مسجد چه اهمیتی می‌تواند داشته باشد. به فرض محال که همین یک بار بخواهند بابت بلایی که سر دیوارهای مسجد جامع آمده عوامل این فیلم‌ها را سوال و جواب کنند. اربابان سینما کارشان را خوب بلدند. شک نکنید که همه کوزه‌ها بر سر دستیار دوصحنه می‌افتد؛ دستیاری که غیر از امری و بله‌اقا و بله‌خانم گفتن هیچ کار دیگری نمی‌کند. سینما بی‌رحم است؛ بی‌رحم‌تر از آنچه تصور کنید.



▼ مجلس تجدید نظر می‌کند؟

فرهاد شهرکی، نماینده زابل و زهک و عضو کمیسیون انرژی مجلس نیز در پاسخ به هم‌میهن گفت: «موضوع تغییر ساعت و اثر آن در صرفه‌جویی در کمیسیون مورد بررسی قرار نگرفته است. اما دو هفته پیش از مدیرعامل توانیر خواستیم که گزارشی از صرفه‌جویی در انرژی با تغییر ساعت در نقاط مختلف کشور به من ارائه کند تا یک کار کارشناسی روی آن انجام دهیم. باید به صورت متمرکز کشوری و به صورت علمی این تغییر ساعت‌ها را پیگیری کنیم تا آنچه به نفع کشور است را سرلوحه کار قرار دهیم.» او با اشاره به این که پس از مصوبه مجلس بی‌برنامگی و سردرگمی در کشور به وجود آمده است، افزود: «برداشت من این است که تغییر ساعت کشور، در مصرف برق تأثیر داشت که با توجه به مصوبه مجلس فعلاً این تغییر انجام نمی‌شود و دولت مجبور است با بخش‌نامه‌هایی این ساعات را تغییر دهد که سردرگمی‌هایی در کشور به وجود می‌آورد.»



به گفته عضو کمیسیون انرژی در مجلس: «تا زمانی که اطلاعات دو سال اخیر و سال‌های قبل (که ساعت به صورت اتوماتیک تغییر می‌کرد) را بررسی کنیم، نمی‌توانیم نظر کارشناسی اعلام کنیم. پس از این بررسی‌ها و در صورتی که اعداد و ارقام مناسب باشد، در فصل بهار یک طرح در این مورد به مجلس ارائه می‌کنیم. صحن مجلس با یک دیدگاه تخصصی و علمی قانع می‌شود مدلی ارائه کنیم که نیازی نباشد که هر استان یا ارگانی طبق بخشنامه ساعت کاری را تغییر دهد و سردرگمی ایجاد شود.» فرهاد شهرکی در پاسخ به این سوال که با توجه به غیرقابل اتکا بودن آمار و ارقام دولت سیزدهم نگران نیستید گزارش اشتباه به مجلس ارائه شود؟ تأکید کرد: «مدیرعامل دولت سیزدهم هنوز تغییر نکرده و هیچ مزیتی برای او ندارد که اطلاعات دقیق را به مجلس ارائه نکند و اگر آمار اشتباهی ارائه کنند، بیشترین لطمه را خودشان می‌خورند که باید پاسخگوی مردم باشند.»

تغییر رسمی ساعت کشور را در اختیار بگیرد، از این رو دو سال ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ امکان تغییر رسمی ساعت کشور را نداشته‌ایم. برآورده شده که تغییر ساعت حدود یک در صد و یا بیشتر از آن در اوج بار شبانه تأثیرگذار است و شرکت مدیریت شبکه برق ایران برآورد کرده که معادل نیروگاه هزار مگاواتی اتمی بوشهر از محل تغییر ساعت رسمی کشور صرفه‌جویی شود. «مدیرعامل توانیر افزود: «باتوجه به اینکه در شرایط ناترازی هستیم هیئت وزیران لایحه دو فوریتی را به تصویب رساند که با توجه به آن درخواست کرده که این اختیار مجدداً به دولت بازگردد تا هیئت وزیران بتوانند در خصوص تغییر ساعت رسمی کشور تصمیم‌گیری کنند.»

▼ خسارت بیش از ۱۰ میلیارد دلاری

علیرضا کلاهی صدی، رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران در گفت‌وگو با هم‌میهن درباره تغییر ساعت توسط دولت، تأکید کرد: «قطعیاً با تغییر ساعت صرفه‌جویی ایجاد می‌شود اما نمی‌دانم چرا نمایندگان مجلس اصرار دارند که علم و محاسبات را کنار بگذارند و با نگرش عقب‌مانده به این موضوع نگاه کنند؟ ما با ناترازی‌های جدی روبه‌رو هستیم که سالانه در بخش صنعت بالای ۱۰ میلیارد دلار خسارت به کشور تحمیل می‌کند. حتی اگر بخشی از این ناترازی‌ها از طریق (تغییر ساعت) جبران شود، باید این کار در دستور کار قرار گیرد.» او افزود: «این کار را تمام دنیا انجام می‌دهند و نمی‌دانم مجلس چرا این اقدام تجربه‌شده را خراب کرد. طبیعتاً تغییر ساعت پاسخ تمام ناترازی‌هاست نه انرژی خورشیدی اما این راهکاری است که به کاهش ناترازی‌ها کمک می‌کند و راهکاری بدون دردسر است و مجلس یک تصمیم پرهزینه و بی‌فایده گرفته که معلوم نیست مبنای آن چیست.» کلاهی با اشاره به تصمیم دولت سیزدهم گفت: «همین که دولت قبل مجبور شد ساعت کارمندان را ۶ صبح اعلام کند گویای تصمیم اشتباه است. با این تغییر ساعت شاهد حضور کارمندان ۶ ساعت نیستیم.» رئیس کمیسیون صنایع اتاق بازرگانی تهران با اشاره به تصمیم مجلس، تأکید کرد: «باید توصیه شود که از تصمیمات پوپولیستی، نپخته و عوام‌فریبی دست بردارند و از کشور هزینه نکنند.»



هسته‌ای هم اتفاق نظر وجود نداشت و مشکوک بودند. هر چند گفت‌وگوی مرحوم اعتماد با رادیو شبکه ۴ بی‌بی‌سی در آغاز سال ۹۲ و اواخر دوران احمدی‌نژاد نام او را بر سر زبان‌ها انداخت و سبب شد مستندهایی هم درباره او ساخته شود اما چند ماه بعد که حسن روحانی رئیس جمهوری شد و هدف توافق بر سر اختلافات هسته‌ای را دنبال می‌کرد او به تهران آمد و در گفت‌وگویی سمساخته با ایستنا نکات مفصل‌تری را به میان آورد و از جمله گفت: «اگر دست من بود در زمان شاه معاهده ان. پی. تی را امضای کردم» زیرا هیچ امتیازی برای ایران نداشته اما در توضیحات بعدی نشان داد که مانند کیهان و رادیکال‌ها خواستار خروج بی‌حساب و کتاب نیست و مذاکره برای رفع تحریم‌ها دفاع کرد و گفت: «زبان بین‌المللی و نرم‌افزاری روحانی بسیار مؤثر است. ادبیات سیاسی آقای روحانی موجب نوعی امیدواری در دنیا شده است و این امیدواری توجه دنیا به مواضع ایران و اعتماد به آن‌ها را ایجاد می‌کند. از سویی او با هم با توجه به گرفتاری‌هایش در آمریکا به سمت تعامل گرایش دارد. اما در این میان لابی‌های مقتدر در آمریکا از جمله نظامی‌ها و صهیونیسم‌ها ایجاد اختلال می‌کنند.» او مشخصاً تفاوت «سیاست‌های نرم» با «سیاست‌های ضعیف» تأکید داشت و نگران بود این دو اشتباه گرفته شود. با این همه از اصل مذاکره و حل مشکل با آمریکا دفاع کرده و گفته بود: «کار آقای روحانی برای مذاکره با آمریکا بسیار سخت خواهد بود و مسئله رابطه با آمریکا و حل مسئله هسته‌ای صرفاً با چند اقدام دیپلماتیک قابل حل و فصل نیست. ما به کسانی احتیاج داریم که زبان و فرهنگ آن‌ها را بشناسند و خوشبختانه در میان افراد نزدیک به آقای روحانی، افرادی مثل آقای ظریف برای این کار قابل قبول هستند.»

روحانی و ظریف البته از عهده برآمدند و دو سال بعد منتج به برجام شد اگر چه ترامپ که آمد بازی را بر هم زد و امروز ۲۳ فروردین ۱۴۰۴ و ۱۲ سال بعد از آن مصاحبه و قریب ۱۰ سال پس از توافق برجام ایران و آمریکا دوباره بر سر پرونده هسته‌ای به مذاکره می‌نشینند و به جای گفت‌وگوی رویارو کاغذهایی رد و بدل می‌کنند تا نظر ایران برای مستقیم‌نبودن هم تأمین شود در حالی که ترامپ بازگشته و روحانی و ظریف نیستند. اکبر اعتماد هم چشم از دنیا بسته است، دو روز بعد از روز ملی فناوری هسته‌ای و یک روز پیش از مذاکرات هسته‌ای. او به ایران می‌اندیشید فراز از اغراض و ساختار سیاسی. همه باید به ایران ببیندیشیم و آرزو کنیم مذاکرات امروز مانع تحقق آرزوی کسانی شود که دغدغه‌خودشان را دارند نه بیم ایران را. اکبر اعتماد برنامه اتمی را در خدمت ایران می‌خواست نه اقتصاد و اخلاق و سیاست و دیپلماسی را در خدمت آن و حمایت از مذاکرات امروز هم با همین نگاه است.

از نقش سازمانی گفته شد که چون می‌خواست در آغوش عراق باقی بماند بحث پرونده هسته‌ای ایران را به چالش جمهوری اسلامی و غرب بدل کرد و چون موضوع این نوشته درگذشت آقای اعتماد است جا دارد گفته شود در یکی از مصاحبه‌های دهه ۹۰ فاش کرده بود که صدام حسین، او را ترغیب کرده بود به عراق برود، اما نپذیرفته بود: «صدام حسین خیلی تلاش کرد مرا به عراق ببرد. پیغام داد و سفیرش را به دیدنم فرستاد. به زبان نیارود اما احتمالاً می‌خواست مرا به عراق ببرد تا آنجا برنامه اتمی درست کنم. به او گفتم تا وقتی با مردم من در جنگید، دشمن من هستید و نخواهم آمد. خیلی کشورهای دیگر هم از من دعوت کردند، اما قبول نکردم. در پاریس ماندم و البته برای فرانسوی‌ها و آلمانی‌ها کار کردم و راضی هستم.»

کنکته جالب این که اگر چه فرانسه و آلمان هر دو طرف مذاکره با ایران بر سر برنامه هسته‌ای و بعدتر امضای قطعنامه‌های تحریمی بودند اما نگران سفرهای متعدد به ایران و همکاری با شرکت‌های آنان بود و حتی یک بار موضوع تندی گرفت و گفت: «ایران مشغول تحقیقاتی است که حق انجام آنها را دارد. نمی‌دانم چرا کشورهای غربی این تحریم‌ها را علیه ایران اعمال می‌کنند و فشار می‌آورند. چرا در مورد هند، پاکستان و اسرائیل چنین نکردند؟ ایرانی‌ها باید در برابر فشارها مقاومت کنند و به کشورهای غربی نشان بدهند می‌توانند از خودشان و از منافعشان دفاع کنند.»

از یک منظر نقش آفرینی اورامی توان بخش دیگری از مجموعه موفقیت‌های صنعتی در دهه ۴۰ خورشیدی دانست و نام او را در کنار چهره‌هایی چون علی‌نقی عالیخانی و رضاییانزاد قرار داد اگر چه ارتباط ارگانیک میان آنان برقرار نبود ولی این چهره‌ها در کنار هم دهه متفاوت ۱۳۴۰ را رقم زدند.

سال ۱۳۴۴ که اعتماد از سونیس به ایران بازگشت جوانی ۳۵ ساله بود و صفی اصفا، رئیس سازمان برنامه و بودجه او را در ابتدا به عنوان مشاور فنی طرح پژوهش‌های راکتور اتمی استخدام کرد.

او اما سودای بزرگتری در سر داشت و وسایل بعد، دفتر انرژی اتمی را در همان سازمان برنامه و بودجه پایه گذاشت و طبعاً کسی جز خود او شایستگی مدیریت آن را نداشت و تا سال ۱۳۴۶ در همین مسئولیت باقی ماند.

در سال ۱۳۴۷ رئیس مؤسسه تحقیقات و برنامه‌ریزی علمی و آموزشی شد که بدیل ایرانی مرکز ملی پژوهش‌های علمی (CNRS) در فرانسه به حساب می‌آمد و اینجا هم باز اولین رئیس بود. سال ۱۳۵۳ هم سازمان انرژی اتمی ایران را بنیان نهاد و باز خود رئیس آن شد و بود تا سال ۱۳۵۷ که انقلابیون علاقه امروز به فعالیت هسته‌ای را نداشتند نه تنها او را کنار گذاشتند که بر سر ادامه فعالیت



آگهی مزایده عمومی خودرو

شماره ۰۱-۱۴۰۴

نوبت اول

شرکت پارس خودرو در نظر دارد تعدادی از خودروهای کارکرده، مستعمل و مازاد خود را از طریق برگزاری مزایده عمومی به فروش برساند.

از اشخاص حقیقی و حقوقی مایل به شرکت در مزایده دعوت به عمل می‌آید جهت بازدید از خودروها، از روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ لغایت چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۷ از ساعت ۹/۰۰ الی ۱۳/۰۰ به آدرس ذیل مراجعه نمایند:

آدرس: تهران- کیلومتر ۹ جاده مخصوص کرج (شهید لشگری)- درب شماره ۳ (پارکینگ حمل و نقل شرکت پارس خودرو)

▶ شایان ذکر است برگه پیشنهاد قیمت و فرم شرایط شرکت در مزایده در روز بازدید در اختیار بازدیدکنندگان قرار خواهد گرفت و مهلت ارائه پیشنهاد قیمت از تاریخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۵ لغایت ۱۴۰۴/۰۱/۲۸ از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۴:۰۰ می‌باشد.

مدیریت ارتباطات پارس خودرو